



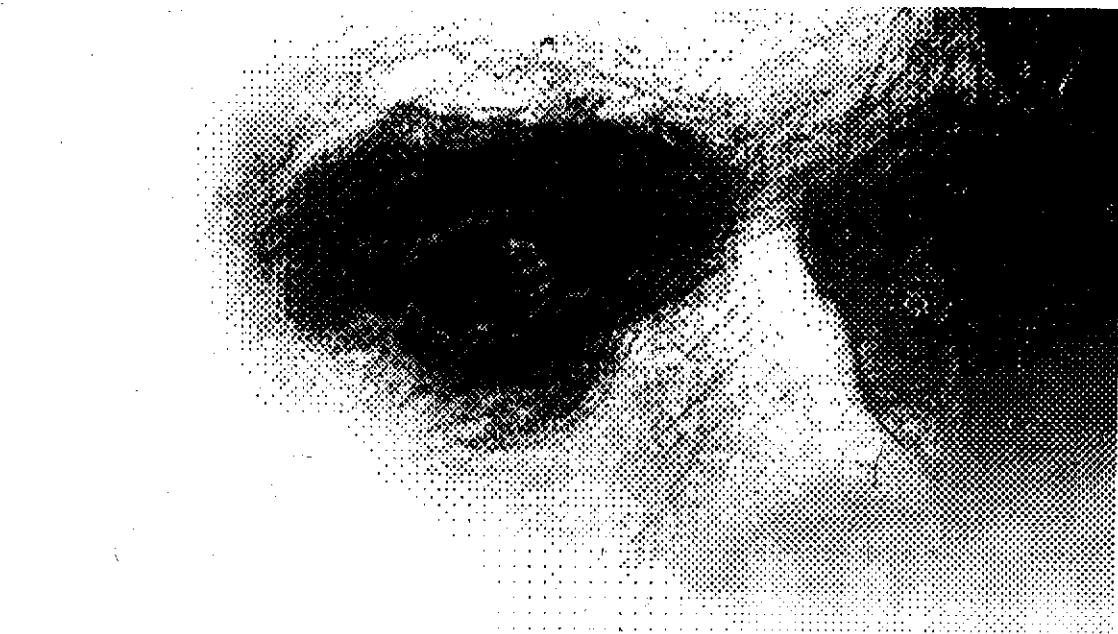
آثار روی کاغذ:

طراحی

WORKS ON PAPER:

D R A W I N G

• نوشته: جن گرین Jan Green • ترجمه: دکتر فرهاد ساسانی



کرده‌اند ولی این گچ ابدنه کوچک و قدرت پو شانندگی کمی دارد. رنگ‌های دیگر، از جمله انواع قهوه‌ای و خاکستری، در دسترس بود ولی کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت.

گچ کارخانه‌ای و پاستل.

تعداد طراحی با گچ، با ورود گچ کارخانه‌ای و پاستل، نخست در کارگاه‌های منفرد و سپس در مقیاس تجاری، بیشتر شد. این مواد عبارت بودند از مخلوط رنگیزه‌های خشک و گچ با ماده چسباننده‌ای چون صمغ که به شکل استوانه‌هایی کوچک در می‌آمد و خشک می‌شد. اینها به هنرمند این قدرت را می‌دادند که از گستره کامل رنگیزه‌های شناخته شده استفاده کند و با افزودن نسبت‌های متفاوتی از رنگیزه‌های سفید بی‌اثر چندین درجه رنگمایه از هر رنگ به وجود آورد. انتخاب و نسبت مقوله هنری مستقیماً بر بافت محصول تأثیر می‌گذارد و انواع حساب شده‌ای از سختی و نرمی را ممکن می‌سازد. طبق نسخه‌های قدیمی، از شمار زیادی از مواد به عنوان چسب رنگ استفاده شده است، مانند صمغ‌های گیاهی، شیر، آبجو، چسب و غسل؛ گاه دو یا چند ماده را با هم مخلوط می‌کردند تا تأثیر مطلوب را داشته باشد. چون رنگیزه‌ها و مقوله‌ها قدرت جذب و چسبانندگی متفاوتی دارند، لازم است برای تولید ماده لازم آزمایش انجام گیرد؛ برای

گچ‌های طبیعی.

گچ طبیعی با دامنه محدودی از رنگیزه‌های خاکی جزء قدیمی‌ترین مواد طراحی است که اصلاً نیاز به مقدماتی جز تراشیدن به شکل قلم ندارد. چون هیچ مقوله دیگری به آن اضافه نمی‌شود، باید مواد گچ نسبتاً همگن و نرم باشد تا اثر صاف و یکنواختی روی کاغذ باقی بگذارد. در بسیاری از طراحی‌های دوران رنسانس رنگ قرمز را ترجیح می‌دادند؛ ترکیبی از ماده بسیار سرخ رنگ اکسید آهن یا گل که گچ نرمی با رنگ قوی را به وجود می‌آورد. از این گچ به تنهایی یا با دیگر گچ‌های رنگی و اغلب برای طرح‌های مقدماتی نقاشی استفاده می‌کردند. کاربرد آن در سده هجدهم، احتمالاً به خاطر کاهش کیفیت آن که با پیشرفت گچ‌ها و مواد رنگی‌های کارخانه‌ای همزمان شده بود، کاهش یافت. استفاده از گچ سیاه، مخلوطی از کربن و گل، نیز مرسوم بود و از گچ سفید عمدتاً برای تقویت برجسته‌نمایی استفاده می‌شد. دو نوع گچ شناخته شده بود: کربنات کلسیم عادی که مورد استفاده نقاشان برای کشیدن زمینه بود و سنگ صابون (سیلیکات آبدار منیزیم) که به عنوان گچ خیاطی استفاده می‌شد. چنینو چینی (Cennino Cennini) در کتاب آزادی هنر (dell'Arte Il Libro II) (اواخر سده چهارم) سنگ صابون را برای طراحی روی پارچه، و ازاری (Vasari) (۷۲-۱۵۱۱) برای طرح‌های مقدماتی توصیه



دختر بچه و بچه گریه
 اثر ژ. ب. پرونو؛
 پاستل روی کاغذ؛
 ۲۳x۲۰ سانتیمتر (۹x۸ اینچ)؛
 ۱۷۳۵؛
 نگارخانه ملی، لندن.
 هنرمندان فرانسوی سده هجدهم،
 مانند ژ. ب. پرونو،
 در استفاده از پاستل تبحر داشتند.
 این پاستل تشکیل شده بود
 از رنگیزه و صمغ تراکونات که
 به شکل استوانه درآمده بود.
 هنرمند می توانست
 از میان دامنه وسیعی از رنگها
 - از جمله در این مورد
 آبی پروسی برخشان
 تازه رواج یافته -
 رنگ هایش را برگزیند
 و آنها را
 هنگام کار روی کاغذ
 ترکیب نماید.

پاریس، قلم نسبتاً سختی را به وجود می آوردند، حال آن که گل چینی بسیار نرم تر بود. گچ ها و پاستل های اواسط سده هجدهم را رنگ کارهای هنرمندان تیبیه می کردند؛ عمدتاً با استفاده از صمغ تراکونات به عنوان چسب رنگ شیوه های تولید استانداردتر شد. فرانسه سده هجدهم باعث افزایش استفاده از پاستل شد و با چیره دستی هنرمندانی چون موریس - کوئنتین دولاتور (Maurice) (۱۷۰۴ - ۸۸)، ژ. ب. پرونو (J.B.Perronneau) (۱۷۱۵ - ۸۲) و ژ. ب. شاردن (J.B.Chardin) (۱۷۷۹ - ۱۶۹۹) عملاً به اندازه رنگ روغن مهم شد. معمولاً پاستل را روی نوعی از کاغذ مخصوص طراحی کار می کردند، ولی در آن زمان از زمینه های بافتدار نیز استفاده می کردند. آنها را با خاک سنگ پا (خار) یا سنگ مرمر و چسب آماده می کردند تا سطح ناهموار شده کوچک ترین ذرات رنگ را

مثال، سبز خاکی و گل ماشی (اومبر) را وقتی تنها با آب مخلوط کنیم، قلم حاصله آن قدر سخت می شود که نمی توان با آن طراحی کرد. اما باید نتیجه کار، بسته به کیفیت و منابع متفاوت مواد ترکیب شده جالب بوده باشد.

ساخت گچ توسط مردم به صورت انفرادی احتمالاً در سده شانزدهم شروع شد و در سده هفدهم و هجدهم نسخه های ساخت تکثیر شد. به نظر می رسد تا سده هجدهم هنرمندان گچ سخت تر را به پاستل های امروزی ترجیح می دادند، اگرچه از گچ های نرم تر و سست تر نیز، که بر روی انگشت مالیده می شد یا به صورت پودر یا تورشون (torchon) (تکه ای کاغذ لوله شده) به شیوه ای نقاشانه تر به کار می رفت، استفاده می شد. رنگیزه های سفید بی اثر نیز که اضافه می شد تا انواع رنگمایه را به دست دهد بر بافت تأثیر می گذاشت؛ گچ های



دو طرح مقدماتی از دیده گو مارتلی اثر بگا:

(چپ): زغال روی کاغذ.

(راست): کج سیاه روی کاغذ.

هر دو ۲۵x۲۸ سانتیمتر (۱۸x۱۱ اینچ): ۱۸۷۹.

موزه هنر ویلیام هیز فاک، کمبریج، ماساچوست.

در نخستین پیش طرح، ثرات ریز و سبک زغال بردانه های کاغذ به دام افتاده است تا اثری پهن و خاکستری از خود برجای بگذارد که می توان آنها را خیلی راحت پاک کرد. پیش طرحی مثل نمونه دوم که پاکج سیاه کارخانه ای کشیده شده است غلظت و اشباع زیادتری دارد و دائمی تر است.

تا آن را محکم کنند، اگرچه ممکن بود لایه رنگیزه بیش از حد اشباع یا تیره شود و طراوتش را از دست بدهد.

مداد شمعی.

مداد شمعی اصطلاحی است که به قلم هایی رنگی اطلاق می شود که با ماده ای روغنی یا مومی ترکیب می گردد. لئوناردو داوینچی (۱۵۱۹-۱۴۵۲) توضیح داده است که مداد شمعی سفیداب سرب (White lead) را با ترکیب رنگیزه و موم می ساختند و آن را به شکل قلم در می آوردند، ولی به نظر می رسد این روش مرسوم نبوده باشد. در سده هفدهم و هجدهم بیشتر مرسوم بود که رنگیزه ها را برای پاستل آماده می کردند و سپس قلم ها را با روغن اشباع می کردند، نه این که مستقیماً هر دو را با هم مخلوط کنند. در برخی از نسخه ها آمده است که از روش خشک ساز مثل روغن بزرگ استفاده

به خود بگیرد و آرام ترین ضربات پاستل سخت بر آن بنشیند.

طراحی با پاستل اساساً یک اسلوب خودجوش و خودانگیخته است و اشتباهات را نمی توان به راحتی تصحیح کرد. هنرمند هنگام کار رنگ ها را مخلوط نمی کند، بلکه از گزینه رنگ گسترده و بسیار متنوعی رنگش را انتخاب می کند و در صورت لزوم آنها را روی کاغذ ترکیب می کند. یا تغییر دادن فشار دست یابه کارگیری زوایای مختلف پاستل می توان تأثیرات متفاوتی به دست آورد. نماینده بزرگ نقاشی با پاستل در قرن نوزدهم، دگا (Degas) (۱۸۳۳-۱۹۱۷)، حتی لایه ای می کشید و پس از سفت شدن آن لایه ای دیگر، و اغلب کار را با استفاده از پاستل ناب سفت نشده تمام می کرد تا حالتی خمیرمانند پیدا کند. به خاطر شکنندگی پاستل، اغلب اوقات مایع ثبوت را که از صمغ یا رزین ساخته می شد روی آن می پاشیدند

قلم فلزی

اسلوب‌هایی که در آن از قلم سوزنی فلزی بر روی کاغذ یا کاغذ پوستی استفاده می‌شد از سده دوازدهم برای نوشتن مرسوم بود و از سده چهاردهم تا شانزدهم عمدتاً برای طراحی ظریف به کار می‌رفت. آلیاژهای سرب و قلع روی کاغذ بدون رویه اثرمی‌گذارند ولی فلزات دیگر - نقره، مس، برنج یا طلا - به‌زمینه‌ای خاص نیاز دارند. این زمینه معمولاً تشکیل شده بود از سرب سفید یا پودر استخوان یا آمیزه‌ای از هر دو همراه با چسب، ضمغ رقیق، روغن بزرک یا آب دهان، می‌شد آن را با ابزار صیقل کاری صیقل داد تا سطح صاف و لطیفی برای

می‌کردند، ولی در نهایت سفت می‌شد و به درد طراحی نمی‌خورد. در سده نوزدهم استفاده از مداد شمعی زیاد شد. آلوویس زنفلدر (Senefelder) (Alois) (۱۷۷۱-۱۸۳۴)، مخترع چاپ سنگی، با ترکیب‌هایی از موم، بیه، صابون و لاک الک دست به آزمایش زد تا مدادشمعی‌هایی تولید کند که بدنه بزرگ‌تری داشته و بیشتر اشباع شده باشند. این نوع مداد شمعی، برخلاف پاستل، پخش نمی‌شد و در نتیجه خیلی برای سایه‌زنی پهن و رنگ‌آمیزی تدریجی کاربرد نداشت، ولی به خصوص به درد هنرمندانی مانند انگره (Ingres) (۱۷۸۰-۱۸۶۷) می‌خورد که به سبکی خطی‌تر کار می‌کردند.



دو پیش طرح از
ایچی یوسای کزنئیوشی؛
چهره نگاره یک پیرمرد، ح. ۹-۸۴۰
(پایین) چهار کودک و یک گربه،
۳۲۷۱ سانتیمتر (۱۳۲۱۸ اینچ)؛ ح. ۱۸۵۰؛
هر دو لقم مو و جوهر روی کاغذ؛
موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن

لقم مو و جوهر همیشه ابزاری مهم بوده است
که به واسطه آنها نقاشی، طراحی و خوشنویسی
به هم پیوند می‌خورند.
بپنا و غفلت ضربات لقم مو را
می‌توان تا حد زیادی تغییر داد
تا طرح‌های روان و جاندار ایجاد کرد
که شاید بتوان آنها را نیز
با نست جوهر چنان آفسون کرد
تا بخش‌هایی با رنگمایه‌های متضاد
به وجود آورد.



تال جامع علوم انسانی

سرب به کربنات سرب آبی فام و مس به کربنات مس سبز خام تبدیل می شود. فلزات مختلف ویژگی هایی کمابیش متفاوت دارند؛ سرب نرم است و به راحتی روی کاغذ می لغزد، حال آن که قلع سخت تر است و نیاز به زمینه ای سخت دارد که خوب با چسب مخلوط شده باشد. ویژگی اصلی طراحی با قلم فلزی دامنه رنگمایه روشن آن است؛ رنگمایه های خیلی تیره به وجود نمی آورد و باید سایه ها را با هاشور زدن نشان داد. نمی توان کلفتی و نازکی قلم را تغییر داد، در نتیجه فاقد ویژگی های بافتی دیگر اسلوب های طراحی است. برای طراحی های قطع کوچک لطیف و دقیق از نوع طراحی های آلبرت

طراحی داشت، ولی صیقل بیش از حد نمی گذاشت اثر قلم به خوبی روی آن بماند. چینی در رساله اش، آزادی هنر، قلم نوک نقره ای یا قلمی مرکب از دو بخش سرب و یک بخش قلع را توصیه کرده و همچنین اشاره کرده است که زمینه را می توان با رنگیزه هایی مثل سبز خاکی، اخرا و شنکرف که به سرب سفید اضافه می شدند رنگ کرد. ابتدا وقتی از قلم های فلزی استفاده می شود خاکستری به نظر می رسد، ولی ممکن است بر اثر هوازگی تغییر رنگ دهد. نقره، که احتمالاً بیش از همه مرسوم بوده است، سولفید نقره قهوه ای را تشکیل می دهد؛



سرو شانه های زنی جوان
آثر رافائل:
قلم فلزی روی زمینه ای سفید:
۲۶x۱۹ سانتیمتر (۱۲ x ۱۰ اینچ):
موزه بریتانیا، لندن.

از قلم نوک فلزی،
که اساساً ابزار خطی است،
عمدتاً از سده چهاردهم تا شانزدهم
برای کشیدن طرح های ظریف
استفاده می شد.
از قلمی فلزی مثل قلم
برروی زمینه ای از پیش آماده شده
و گاه رنگ شده استفاده می شد.
یک قلم نوک فلزی
آثری بارنگمایه و پهنای یکسان
باقی می گذارد.
بنابراین باید سایه ها را
با هاشور زدن نشان داد.
تنها برای طراحی های کوچک و ظریف
مناسب بوده است.

می سازند، برای کارهای ظریف مناسب تر است
و برای ایجاد اثری صاف به فشار کمتری
نیاز دارد. قلم های فلزی کم استهلاک ابتکار
اوایل سده نوزدهم بود.

مصریان و چینی های باستان از جوهر سیاه
کربن استفاده می کردند. این جوهر از
رنگیزه های سیاه کربنی تشکیل می شود که آن
را از زغال چوب، استخوان یا هسته میوه به
همراه ماده ای آبدار می گیرند و اغلب آن را جوهر
چینی یا هندی می شناسند. به راحتی از قلم
سرازیر می شود و می تواند اثرات صاف و
مشخصی را بگذارد یا وقتی آن را با قلم مو به
کار می برند شست مرکبی خاکستری زیبایی
ایجاد می کند. بسیاری از طراحی های
دوران رنسانس را با جوهر مازوی آهن، که از
ورم بافت درخت بلوط می گرفتند، اجرا

دورر (Albrecht Durer) (۱۴۷۱-۱۵۲۸) عالی
است. طی سده شانزدهم اسلوب های پرکاربردتر
و انعطاف پذیرتر را ترجیح می دادند، ولی همیشه
برخی از هنرمندان از قلم فلزی استفاده می کردند
و در دهه ۱۸۹۰ وینزور (Winsor) و نیوتون
(Newton) همچنان لوازم طراحی قلم فلزی
رامی ساختند.

قلم و جوهر.

احتمالاً قلم و جوهر رایج ترین اسلوب طراحی
خطی است. هنرمندان متنوعی چون
رامبرانت (رامبراند) (۱۶۰۶-۶۹) و جورج گروس
(George Gros) (۱۹۵۹-۱۹۹۳) از قلم های نی
ساده، اگرچه نسبتاً کند و انعطاف ناپذیر بود،
برای ایجاد جلوه هایی قوی استفاده می کردند.
قلم های پری، که آنها را از پر غاز، قو یا کلاغ



طرح هایی مقدماتی
برای
کاشنه غیبگوی لبیبایی
الز میلک آنجلو (میکلانز):
گچ سرخ رنگ
روی کاغذ:
(۲۹x۲۱ سانتیمتر)
(۱۱x۸ اینچ):
موزه متروپولیتین،
نیویورک.

طی دوران رنسانس،
گچ سرخ رنگ طبیعی
یکی از رایج ترین
ابزار طراحی بود.
از گچی طبیعی
با کیفیت عالی
می شد برای ایجاد
خطوط ظریف
استفاده کرد
و آن را برای ایجاد
سایه های دقیق
پخش کرد.

زغال و سرب سیاه (گرافیت).

از همان آغاز از زغال برای طرح های مقدماتی
و از سده شانزدهم برای مشق های کامل شده
استفاده می کردند. بهترین زغال را از ترکه های
مو یا بید می گیرند. با این که می توان اثر نرم
و سیاه آشکاری باقی بگذارد، از گچ های
سیاه کارخانه ای خاکستری تر و کم رنگ تر است.
در اواسط سده شانزدهم رگه گرافیت خوبی
در کامبرلند (Cumberland) کشف شد. کلوخه ها
یا تکه های گرافیتی که درون غلاف قرار
می گرفت پیش در آمدمداد «سربی» امروزی ای
بود که اکنون به صورت مصنوعی ساخته
می شود. در اواخر سده هجدهم تحریم صادرات
گرافیت انگلیسی باعث شد یک فرانسوی به نام

می کردند. این ورم های گیاهی پوسته های کوچک
روی بلوط است که زمانی به وجود می آید که
زنبور گال آن را سوراخ کند؛ این ورم های گیاهی
حاوی جوهر مازو و اسید تانیک است. این
ورم های گیاهی را در آب له می کردند و با محلول
سولفور آهن مخلوط می نمودند تا مایع ارغوانی
مایل به خاکستری به دست آید. وقتی برای
نوشتن یا طراحی به کار رود و در معرض هوا
قرار گیرد تیره می شود و سرانجام قهوه ای
می شود، ولی هیچ گاه قدرت جوهرهای کربنی
را ندارد. از مرکب دوده، جوهر قهوه ای طلایی
هایی که از قطران چوب قابل حل و سپیا شکل
می گیرند، و نیز از جوهر ماهی مرکب به عنوان
گونه های اسلوب شست و قلم تکرنگ استفاده
کرده اند.



نیکولا - ژاک کونته (Nicolas JacquesCont) قلمی گرافیتی و گلی بسازد که می شد آن را با ویژگی های متفاوتی از یافت و رنگ ساخت. درخشندگی فلزین گرافیت شبیه درخشندگی طراحی با قلم آلیاژ سرب است. کاربری آن بی نهایت زیاد است و می تواند برای کارهای خطی ظریف یا به صورت نرم تر یا تیره تر برای ایجاد جلوه های تماشایی نور و سایه به کار رود. هم زغال و هم گرافیت جزء باقدارترین مقوله های طراحی هستند.

خواندنی های دیگر

- Chaet, B., *An Artist's Notebook: Techniques and Materials*, New York (۱۹۷۹).
 Hayes, C. (ed.), *The Complete Guide to Painting and Drawing Techniques and Materials*, Oxford (۱۹۷۸).
 Maclehoew, L.S. (trans.), *Vasari on Technique*, New York (۱۹۶۰).
 Richmond, L. and Littlejohns, y., *The Techniques of Pastel Painting*, London (۱۹۶۲).
 Thompson, D.V. (trans.), *Cennino Cennini: the Craftman's Handbook*, New York (۱۹۶۰).
 Warrous, y., *The Craft of old Master Drawings*, Madison, Wis. (۱۹۷۵).



زن نشسته الرماتیس؛
 قلم نی و جوهر سیاه کرین روی کاغذ؛
 ۳۰ سانتیمتر (۱۲)؛ ۱۹۰۹؛ مؤسسه هنر نیواگوا.
 از قلم های نی به عنوان
 ابزار نوشتن و طراحی استفاده می شد.
 با این که برای تصویرسازی های استادانه و ظریف
 قرون وسطی مناسب نبود،
 بسیاری از هنرمندان آنها را برای طراحی های ساده،
 جسورانه و سریع، که در آنها
 به اثری پهن و معمولی نیاز داشتند، عالی می دانستند.